

دو یادداشت دربارهٔ حملات پاریس

مترجم: رحمان بوذری

استراتژی غرب پس از حوادث پاریس

سباستین باجن

- احتمالاً این همان لحظه ای است که باید گامی به عقب برداشت و شکوه و درخشش استراتژی ضدتورویستی غرب را بازنگری کرد، تا سپس بتوانیم انسجام استراتژیک و تاکتیکی آن را تحسین کنیم:
۱. نبرد با جنگ و بمباران و قتل تصادفی شهروندان به یاری جنگ و بمباران و قتل تصادفی شهروندان.
 ۲. نبرد با حمله به آزادی های مدنی به یاری حمله به آزادی های مدنی؛
 ۳. نبرد با تلاش های جهادی ها در جهت رواج این برداشت که دو اردوگاه آنتاگونیستیک و سازش ناپذیر وجود دارند - یعنی اسلام و غرب - به یاری رواج این برداشت که اسلام و غرب دو اردوگاه آنتاگونیستیک و سازش ناپذیر اند؛
 ۴. نبرد با تبلیغات جهادی ها در مورد گسترش افسارگسیخته ی هراس از اسلام (Islamophobia) در غرب به یاری تشویق گسترش افسارگسیخته ی هراس از اسلام در غرب؛
 ۵. نبرد با شیوع شکلی ارتجاعی از اسلام سیاسی از طریق معاملات تجاری و اتحاد سیاسی با آن دولت هایی که بیش از همه دست اندرکار رواج شکلی ارتجاعی از اسلام سیاسی اند.
 ۶. نبرد با این تصور قدرت های غربی به سان قدرت های نواستعماری رفتار می کنند و از فاسدترین و اقتدارگراترین و کثیف ترین دولت ها حمایت ها می کنند، آن هم از طریق حمایت از فاسدترین و اقتدارگراترین و کثیف ترین دولت ها به شیوه ای نواستعماری.

۷. نبرد با فرافکنی این تصویر داعش از خود در مقام دولتی مشروع که در جنگ با قدرت های غربی است، آن هم با اعلام این که قدرت های غربی در حال جنگ با دولتی هستند به نام (ISIS).
۸. نبرد با این تبلیغ داعش که غرب منطقه ای است فاسد، بی روح و بی برنامه و هدف که یگانه مشخصه اش دلبستگی به لذت پرستی است، آن هم با دفاع از لذت پرستی در مقام مشخصه ی بارز غرب که آن را ازداعش مجزا می کند.
۹. نبرد با این ادعای جهادی ها که باور جریان های اسلام گرای رفرمیست به قدرت گرفتن از طریق انتخابات اوج ساده لوحی است، آن هم با حمایت از کودتا علیه یک رئیس جمهور اسلام گرای رفرمیست که از طریق انتخابات به قدرت رسید.
۱۰. نبرد با ضدیت جعلی جهادی های رادیکال با صهیونیسم – که منشاء قدرتش این استدلال است که غرب با سرریز کردن پول و اسلحه به اسرائیل، صرف نظر از رفتارش با فلسطینی ها، از معیاری دوگانه تبعیت می کند – آن هم با تبعیت از معیارهای دوگانه و سرریز کردن پول و اسلحه به اسرائیل.
- بر اساس این توصیف، دیگر جای چه نگرانی است؟

داعش در پاریس

طارق علی

پس داعش ادعا کرده حملاتش پاسخی بوده به بمباران فرانسه علیه «خلافت» در خاورمیانه. در اینکه فرانسوا اولاند و مانوئل والس جنگ طلب اند حرفی نیست. طرفه آنکه داشتند آماده انداختن رژیم اسد می شدند (تا اینکه واشنگتن آن را به تأخیر انداخت) و با این کار به ائتلاف داعش در منطقه می پیوستند. در واقع اکثر مخالفان در سوریه در وهله نخست با اسد مقابله می کنند و دلشان هم می خواست غرب رژیم دیگری را هم در منطقه تغییر دهد. اگر این کار را کرده بودند یک جنگ داخلی دیگر میان گروه های جهادی رقیب با یکدیگر سر بر می آورد و خدا می داند ایالات متحد و اتحادیه اروپا طرف کدام گروه را می گرفتند.

داعش پایتخت فرانسه را هدف گرفت و بیش از صد کشته و دویست زخمی برجا گذاشت. می دانم غرب هم همین کار را می کند و در واقع ده ها هزار تن را می کشد، ولی این نزاع میان دو بنیادگرایی راه به جایی نمی برد. غرب برتری اخلاقی بر جهادی ها ندارد.

که گفته اعدام با شمشیر در ملأ عام (داعش) بدتر است از حمله کورکورانه هواپیماهای بدون سرنشین؟ از هیچ کدام نمی‌توان و نباید دفاع کرد.

اغلب گفته‌اند و به‌درستی هم گفته‌اند القاعده و داعش نتیجه جنگ‌های امپریالیستی در افغانستان و عراق است ولی این کافی نیست. باید از بین رفتن ناسیونالیسم سکولار به دست خود و ناتوانی گروه‌های کوچک مترقی را هم در نظر گرفت که هم ناشی از سرکوب داخلی است و هم کاهش حمایت توده‌ای در سطح جهان. این فرایند رژیم سعودی را جلو انداخته و القاعده و داعش، هر دو تحت نفوذ قوی وهابی‌گری‌اند؛ اقلیتی بسیار کوچک درون اسلام سنی.

سه پیش‌فرض برای بازگرداندن ثبات به منطقه لازم است: خاتمه‌دادن به حمایت غرب از خاندان سلطنتی سعودی و تخمه‌ترکه‌های آن؛ پایان همه مداخلات غرب در منطقه؛ یک دولت واحد اسرائیلی-فلسطینی با حقوق برابر برای همه شهروندان آن. مادام که این اتفاق نیفتد هیولاهای سیاسی همین‌طور تکثیر می‌شوند. هیچ توجیهی برای کشتار بی‌گناهان در پاریس یا هر شهر دیگری در خاور عربی نیست.

منبع: سایت ورسو

